

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه
15 نومبر 2024



یونس نگاه

درس فلسطین: توجه جهانی به تنهایی کارساز نیست



آنچه در غزه این روزها می‌گذرد وجدان جمعی انسان‌های عصر ما را لکه‌دار کرده است. دیدن صحنه‌های کشتار کودکان و زنان و مردان غیرمسلح، بی‌ارتباط به جنگ و کاملاً بی‌دفاع، و سرگردانی جمعیت بزرگی از آدم‌های گرفتار در جنگ که بیش از یک سال از این ویرانه به آن ویرانه و از این دشت به آن صحرا می‌کوچند؛ درحالی که با هر کوچ جمعیت‌شان کوچک‌تر و گورستان‌های‌شان کلان‌تر می‌شود، قلب میلیون‌ها انسان را در سراسر جهان به درد می‌آورد. کسانی این درد را به اشکال بسیار افراطی تبارز داده‌اند، چنان که آرون بوشنر افسر برحال نیروهای هوایی ایالات متحده به‌تاریخ ۲۵ اگست امسال پیش سفارت اسرائیل در واشنگتن خود را آتش زد تا به آنچه «نسل

کشی» در غزه می‌خواند اعتراض کند و توجه جهانیان را برای توقف آن جنایات جلب نماید. میلیون‌ها نفر هر ماه مجالس اعتراضی و تظاهرات برگزار می‌کنند؛ عده‌ای پول و مواد غذایی کمک می‌کنند؛ و دیگران شعر و ترانه می‌سرایند و مقاله و داستان می‌نویسند تا شاید به توقف آن فاجعه کمک کنند.

خود فلسطینیان در این سال‌ها از انواع تاکتیک‌های غیرخشونت‌بار چون تظاهرات و اعتصاب و لابی و تبلیغ تا اقدامات خشونت‌آمیزی چون طیاره ربائی، بم‌گذاری، انتحار و حمله فاجعه‌بار بر غیرنظامیان از نوع آنچه در هفتم اکتوبر ۲۰۲۳ رخ داد برای جلب توجه جهان به مسئله فلسطین را آزموده‌اند. اما اسرائیل به پشت‌گرمی حمایت امریکا و متحدانش، به کشتار و ویرانی ادامه می‌دهد و دادخواهی، اعتراض و خشم صدها میلیون‌گونی آدم در سراسر جهان تأثیری بر توقف جنایات فاجعه‌بار جاری در غزه ندارد.

توجه فاجعه‌بار جهان

بعد از جنگ جهانی اول، فلسطین به کانون رقابت‌های بزرگ جهانی بدل شد که از آن زمان تا کنون تقریباً همه دولت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای معتبر دنیا را به خود مشغول ساخته است. در این مدت موضع‌گیری در برابر منازعات و فجایع ناتمامی که در فلسطین به‌ویژه بعد از جنگ دوم جهانی جریان داشته در تعیین هویت سیاسی دولت‌ها، احزاب و نهادها نقش داشته است. کتاب‌ها، اشعار و بیانیه‌های بسیار در سراسر جهان در مورد فلسطین نشر شده و جاده‌ها، به خصوص در خاورمیانه، شمال آفریقا، اروپا و امریکا در این مدت شاهد حضور خروشان حامیان و مخالفان داعیه فلسطین بوده‌اند.

سازمان ملل متحد از آغاز تا امروز بی‌وقفه مصروف جلسه و صدور قطعنامه در مورد فلسطین بوده است. بیشتر این قطعنامه‌ها بر پایان درد و رنج مردم فلسطین تأکید داشته و برخی از قطعنامه‌ها لحن تند و هشداردهنده علیه اسرائیل نیز داشته است. در وب‌سایت سازمان ملل متحد بخش ویژه‌ای به «مسئله فلسطین» اختصاص یافته و آن بخش ۶۹ صفحه دارد. در اولین صفحه‌اش فهرست ۳۰ قطعنامه گنجانده شده که ۲۰ تای آن‌ها در ده ماه اخیر صادر گردیده‌اند. تنها در ماه سپتامبر امسال ۳ قطعنامه صادر شده است. در آخرین قطعنامه ثبت شده در این صفحه که به تاریخ ۱۸ سپتامبر امسال صادر شده ۳۹۲۰ کلمه در حمایت از قربانیان و تقبیح ظالمان نوشته شده و در آن اسرائیل اشغال‌گر و سرزمین فلسطینی‌ها با عنوان «فلسطین اشغالی» خوانده شده است. مثلاً در شماره ۶ فقره «d» آن قطعنامه از همه سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای خواسته شده است تا «حضور غیرقانونی اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین» را قانونی به رسمیت نشناسند و با اسرائیل در بهره‌برداری از منابع طبیعی سرزمین اشغالی فلسطین یا «ایجاد هرگونه تغییر در ترکیب جمعیتی یا ویژگی جغرافیائی» این سرزمین همکاری یا کمک نکنند. در شماره ۱۶ آن فقره از همه کشورهای، سازمان ملل متحد و سازمان‌های منطقه‌ای خواسته شده است تا مردم فلسطین را در تعیین سرنوشت {سیاسی} حمایت و کمک کنند. خلاصه این سند طولانی صادرشده از مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بیانیه واضح در حمایت از فلسطین است و در آن راهکارهایی برای دفاع از مردم فلسطین پیشنهاد گردیده است. اما بازیگران اصلی، به‌ویژه اسرائیل و حامیانش به توصیه‌ها و قطعنامه‌های سازمان ملل متحد هیچ ارزشی قایل نیستند و پیش چشم حیرت‌زده میلیارد‌ها انسان، به تکرار در یک سال گذشته خانه‌ها، جاده‌ها، مساجد و شفاخانه‌های پر از افراد ملکی را با بم و راکت به خون کشیده است.

برخی تحلیل‌گران به این باورند که حماس و حامیانش فاجعه جنایت‌بار هفتم اکتوبر را برای جلب توجه جهان به مسئله فلسطین و به هم‌زدن تلاش‌هایی انجام داد که به‌منظور عادی‌سازی روابط بین تعدادی از کشورهای عربی و

اسرائیل جریان داشت. حماس و متحدانش در واقع با حمله بر غیرنظامیان اسرائیلی فریاد کشیدند که جهان به ما توجه کنید! آن تقاضای توجه به قدر کافی بلند و واضح بود، و همه جهان را «متوجه» ساخت. بعد از کشته شدن یحیی سنوار که مغز متفکر و گرداننده اصلی حمله هفتم اکتوبرش می خوانند، رسانه ها گزارش دادند که او تا پایان عمر از تصمیمش پشیمان نبود، و رنج و درد تحمیل شده بر ساکنان غزه را هزینه موجه برای بردن فلسطین به سرخط خبرها و دادوستدهای سیاست بین الملل می دانست. ناظران بی طرف وقتی از بیرون نگاه می کنند، نمی توانند موضع سنوار و سازمانش را در اهمیت توجه جهانی تأیید کنند. چرا که این همه ویرانی و کشتار، گره های تازه ای که بر کار تشکیل حکومت مستقل فلسطین افزوده شده و عواقبی که این جنگ برای منطقه و جهان ما داشته است آن «سرمایه توجه جهانی» را توجیه نمی کند. البته این واقعیت را نیز نباید فراموش کرد که سیاست های حذفی اسرائیل و رنجی که محاصره اقتصادی و سیاسی دوامدار بر ساکنان غزه تحمیل کرده، زمینه ساز قدرت گیری حماس و حرکت های انتقام جویانه فلسطینی ها بوده است. معلوم نیست آیا صدای ما هرگز به فلسطینی ها و رهبران شان خواهد رسید یا خیر. هدف اصلی از بحث بر سر جنگ خونبار جاری در غزه درس گیری در مسایل افغانستان است.

توجه جهان به افغانستان

کشور ما از جهاتی مثل فلسطین گره گاه پیچیده «توجه جهانی» است. مدت هاست که قدرت های بزرگ به این سرزمین «توجه ویژه» دارند و در مجامع بین المللی در مورد سرنوشت سیاسی ساکنانش چانه می زنند. توجه جهانی اکنون گویا به ستون اصلی سیاست افغانستان بدل گردیده و هرباری که نشانه هایی از «کم توجهی» ابر قدرت ها به چشم می آید، همه طرف های درگیر داخلی، به خصوص آن هایی که به پشت گرمی حمایت بین المللی به قدرت و سرمایه رسیده اند، هشدار می دهند که کم توجهی جهان فاجعه بار خواهد بود. متأسفانه راست هم می گویند. حالا وضعیت طوری شده که اگر جامعه جهانی برای مدیریت عریان و بی پرده امور در افغانستان وارد عمل شود، یا پنهانی و نیمه آشکار دخالت کند و یا حمایت ها و دخالت های خود را کاهش دهد، در همه حال کشور از بحران نجات نمی یابد بلکه تنها شکل بحران تغییر می کند. با یکی درس و تعلیم رونق می گیرد ولی جنگ تازه ای نیز در می گیرد، با دیگری جنگ کاهش می یابد اما حاکمیت استبدادی جان می گیرد و عقب گرایان به میدان می آیند. با یکی پول سرازیر می شود ولی فساد و مافیای فلج کننده نیز حاکم می شود، و با دیگری پول کاهش می یابد و فقر و تنگدستی و جهالت و عقب ماندگی رونق می گیرد.

پس از این نیز افغانستان گرفتار رقابت قدرت های منطقه و جهان خواهد ماند. در عین حال این وضعیت، ویژه افغانستان نیز نیست. کل دنیا میدان رقابت دولت ها، سازمان ها و شرکت های قدرتمند است. نکته اصلی ظرفیت ساکنان یک سرزمین در مواجهه با آن رقابت ها و چگونگی مدیریت «توجه» ذی نفعان است. کمپاین صرف برای جلب حمایت و توجه جهان، گرهی از کار ملت ما گشوده نمی تواند بلکه توجه بیش از حد قدرت ها در نبود توانایی داخلی برای بهره برداری ملی و دمکراتیک از آن، بحران های تازه خلق می کند. از این رو برگزاری تظاهرات، سخنرانی در پارلمان های دولت های پرنفوذ؛ لابی در سازمان ها، نهادها و شرکت های بزرگ برای جلب توجه آن ها و تقاضای «دخالت» در امور افغانستان از جمله برای دفاع از حق تعلیم و کار و آزادی در شرایط امروز، به تنهایی اثرگذار نخواهد بود حتی اگر منجر به ده ها اعلامیه، مصوبه و قطعنامه گردد و میلیارد ها دالر حمایت مالی به همراه آورد.

کار روی ظرفیت داخلی نیروهای حامی کار، آزادی و تعلیم و تلاش برای کسب توانائی جمعی در مدیریت توجه جهانی در امور داخلی افغانستان، مهم‌تر از قطعنامه و پول و اعلامیه کشورها و نهادهای خارجی است. بسیار مهم است که منازعات جاری در افغانستان، به‌ویژه مسأله حقوق زنان و اقلیت‌ها، مضمون رقابت قدرت‌ها نشوند. کاری نکنیم که رنج زنان و دختران افغانستان و یا ستمی که اقلیت‌های جنسیتی و مذهبی و قومی می‌کشند منبع درآمد و پروژه‌هایی شود که وقتی راه می‌افتند ذی‌نفعان پیدا و پنهان بسیار را وابسته و معتاد می‌سازند. آن‌گاه خود پروژه‌ها فرمان می‌دهند و در برخی موارد مانع اصلی حل منازعات می‌شوند. گاهی پروسه تظاهرات و جمع‌آوری کمک، برگزاری کنفرانس و تمویل گروه‌ها به حمایت و مخالفت یک منازعه چون شرکت بزرگ و چندملیتی هویت مستقل پیدا می‌کند و برای ادامه حیات و توسعه نفوذش آتش را شعله‌ور نگه می‌دارد. یادآوری: این نوشته در زن‌نایمز نیز نشر شده است.